

تأثیر تحولات ژئوپلیتیک کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با محوریت عربستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی

علی حقیقت شناس کماچالی^۱

عبدالرضا فرجی راد^{۲*}

ریباز قربانی نژاد^۳

چکیده

پویایی های ژئوپلیتیکی در خلیج فارس همواره امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در طی چند دهه اخیر از خویش متاثر نموده است. از جمله این پویایی ها می توان به افزایش تنش و رقابت میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران بر سر حوزه نفوذ، گسترش حضور ایالات متحده در خلیج فارس در قالب تاسیس پایگاه های نظامی و دریایی، و در نهایت، افزایش تعاملات اعضای شورای همکاری خلیج فارس با اسرائیل اشاره کرد. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با یک رویکرد جامع بدنال بررسی چگونگی تأثیر گذاری پویایی های منطقه ای در خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا، این پژوهش بدنال پاسخگویی به این سوال محوری است که، تحولات ژئوپلیتیکی کشورهای جنوبی خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی چه تأثیری بر امنیت ملی ایران داشته است؟ یافته های پژوهش نشان می دهد، عوامل ژئوپلیتیک خلیج فارس به تنهایی عامل ایجاد ناامنی و تنش نیست، اما وقتی با عوامل دیگر همراه شود، می تواند تنش را گردد. از آنجا که عوامل ژئوپلیتیک به صورت تدریجی شکل گرفته اند، از این رو تأثیر نسبتاً پایداری از خود برجای می گذارند. شرایط ژئوپلیتیک منطقه و کشورهای آن به نحوی است که بی ثباتی در هر یک از کشورها فراتر از مرزهایشان اثرگذار است. لذا حل این مناقشات طولانی و دستیابی به تعادل امری اجتناب ناپذیر است. خلیج فارس مانند هر منطقه ای نیازمند ثبات و امنیت است و امنیت آن را باید صرفاً در خود منطقه جستجو نمود. همگرایی و تعاملات دو یا چند جانبه منطقه ای به عنوان راه حلی برای نزدیکی کشورها و ثبات دائمی آنها باید مورد توجه قرار گیرد. «امنیت جمعی» تنها راهبرد موثر برای تضمین امنیت کشورهای منطقه پیشنهاد می گردد،

واژگان کلیدی: امنیت ملی، ایران، تحولات ژئوپلیتیکی، خلیج فارس، عربستان

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول

* a.farajirad@yahoo.com

۳. استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

قرارگرفتن ایران در ضلع شمالی خلیج فارس و حضور مؤثر آن در دریای عمان و اقیانوس هند، نقشی بنیادین در استراتژی‌های ژئوپولیتیکی به همراه دارد. و به همان نسبت، بازی قدرت و تحولات ژئوپولیتیک این حوزه بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار خواهد بود. وضعیت امنیتی کشورهای واقع در این حوزه به هم وابسته است که هر نوع کنش و واکنشی می‌تواند بر امنیت سایر کشورها تأثیرگذار باشد. جایگاه استراتژیک ایران در معادلات امنیتی منطقه، باعث گردیده آمریکا به مهار استراتژیک ایران از طریق برقراری روابط خاص با کشورهای و پیمان‌های منطقه‌ای از جمله شورای همکاری خلیج فارس روی بیاورد. این کشورها، در کنار همکاری‌های نزدیک با آمریکا، اقدام به خرید گسترده تسلیحات و تجهیزات نظامی مدرن به منظور استفاده از آنها در درگیری نظامی احتمالی با ایران که اینک به عنوان تهدیدی جدی در منطقه برای آنها به شمار می‌آید، نموده‌اند. استقرار نیروهای نظامی بیگانه و فروش سلاح‌های پیشرفته به کشورهای منطقه و استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشورها، در راستای کنترل ایران صورت می‌گیرد. حضور نظامی منطقه‌ای آمریکا بستگی به تهدیدهای خارجی ایران؛ به خصوص در برابر منافع آمریکا دارد. می‌توان گفت که امنیت خلیج فارس تنها یک مساله محلی و حتی منطقه‌ای نیست. در واقع امنیت در خلیج فارس برای بسیاری از کشورهای فرا منطقه‌ای هم با اهمیت است زیرا گذرگاه مهمی در انتقال نفت و منبع انرژی به دیگر نقاط جهان است. بنابراین امنیت آن برای کشورهای فرا منطقه‌ای بسیار حیاتی است. از طرف دیگر باید توجه داشت که میان کشورهای منطقه موازنه قدرت برقرار نیست. چون کشورهای کوچک و ضعیف تمایل دارند قدرت‌های فرا منطقه‌ای برای تضمین امنیت آنها حضور داشته باشند. بعد از خروج انگلستان از منطقه در ابتدای دهه ۱۹۷۰، آمریکا تلاش کرده تا اصلی‌ترین نقش‌آفرینی را در خلیج فارس داشته باشد و به همین علت، ترتیبات امنیتی این منطقه ذیل استراتژی‌های آمریکا قرارگرفت. میزان درگیری، سطح، عمق عملکرد و تأثیرپذیری آمریکا در مسائل امنیتی این منطقه با دیگر بازیگران فرامنطقه‌ای قابل مقایسه نیست. در دوران جنگ سرد هم یکی از حوزه‌های مهم رقابتی میان دو قطب جهانی، حفظ حضور و تلاش برای برتری در منطقه خلیج

فارس بوده است. ایالات متحده در دهه ۷۰ میلادی سیاست امنیت دو ستونی مبتنی بر نقش آفرینی ایران و عربستان، در دهه ۸۰ سیاست توازن ضعیف میان ایران و عراق و در دهه ۹۰ مهار دو جانبه ایران و عراق را به عنوان اولویتهای اصلی خود در خلیج فارس در نظر گرفت. پس از جنگ اول خلیج فارس (در سال ۱۹۹۱) حضور نظامی آمریکا در منطقه بیشتر شد و همچنین قراردادهای دوجانبه امنیتی با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس این حضور را تقویت کرد. با حمله آمریکا به عراق (در سال ۲۰۰۳) در چارچوب الگوی امنیت هژمونیک، تأثیرگذاری ایالات متحده بر معادلات امنیتی خلیج فارس بیشتر شد و درحقیقت، آمریکا به بازیگر اصلی در امنیت این منطقه تبدیل شد. ایران به عنوان اصلی ترین قدرت منطقه ای خلیج فارس، همواره به مخالفت با راهبردهای آمریکا پرداخته است. سه دهه جدال میان ایران و آمریکا بر سر نفوذ در منطقه هرچند فراز و نشیب هایی بسیاری داشته است، اما به صورت مستمر ادامه پیدا کرده است.

پیوستگی جغرافیایی ایران از طریق آبراه خلیج فارس با کشورهای حاشیه جنوبی، به انحاء مختلف موجب تأثیرپذیری امنیت ملی ایران از تحولات این منطقه و سیاست ها و تدابیر کشورهای واقع در آن می شود. بطوری که در تحلیل مسائل امنیتی و امنیت ملی ایران، با توجه به سطح خارجی امنیت، نمی توان تحولات ژئوپلیتیکی کشورهای همجوار را نادیده گرفت. ایران، در میان همه کشورهای این منطقه دارای بیشترین سواحل و جزایر است و اهمیت استراتژیک خلیج فارس در جنوب غرب آسیا و حتی اهمیت جهانی آن، و نیز وجود تنگه استراتژیک هرمز که بخش شمالی آن تحت حاکمیت ایران است، مسائل امنیتی ایران را با مسائل امنیت خلیج فارس گره زده است. از طرفی نقش آفرینی ایران به عنوان کانون ژئوپلیتیک و پر جمعیت ترین کشور شیعه در خلیج فارس، بر حساسیت های کشورهای حاشیه جنوبی افزوده است. چنانکه، افزایش قدرت ایران در منطقه را، به عنوان یک تهدید برای خود تلقی نموده و از اوج گیری قدرت ایران هراس دارند و همواره سعی در به چالش کشیدن قدرت منطقه ای ایران دارند. در این میان، نقش عربستان سعودی به عنوان محور تعارضات ژئوپلیتیکی منطقه، برجسته بوده و اختلافات عربستان با ایران در همه فرایندهای قدرت موجب ایجاد تنش و تشدید تعارضات در یمن و سوریه و بحرین و قطر و حتی نزاع بر سر

عراق و لبنان گردیده و منطقه را با چالش‌های شدید امنیتی مواجه ساخته است. ادامه این وضع، توجیه دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای را منطقی و قابل دفاع می‌نماید. این شکاف عمیق، و اختلافات منطقه‌ای بسیاری از فرصت‌های پیش روی ایران در دستیابی به قدرت اول منطقه‌ای که در برنامه راهبردی آن است. را با چالش مواجه و امنیت ایران را در معرض تهدید قرار داده. با این تفسیر، لزوم طراحی یک استراتژی بلند مدت برای حل بخش اعظمی از تعارضات با کشورهای همسایه از جمله عربستان، می‌تواند ایران را در دستیابی به اهداف بزرگ و استراتژیک خود موفق‌تر سازد. رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران و عربستان، یکی از شاخص‌ترین مقابله‌ها میان دو همسایه ایدئولوژیک پس از جنگ ایران و عراق است. که در حال حاضر در منطقه خلیج فارس شاهد آن هستیم. استمرار و تشدید این رفتار و تنش میان ایران و عربستان که اینک از حالت اختلاف عادی سیاسی خارج و به یک معادله مبهم منطقه‌ای و لشکرکشی غیر مستقیم و نیابتی تبدیل شده، می‌تواند برای تمام منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و حتی نظام بین‌الملل تبعات غیر قابل پیش‌بینی و جبران‌ناپذیری در همه حوره‌ها به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، این تنش در صورت گسترش و توسعه می‌تواند خود عامل باز کردن پای قدرت‌های فرامنطقه‌ای به حوزه نفوذ کشورهای منطقه گردد و خلیج فارس و خاورمیانه را برای مدت‌های مدیدی با چالش‌های امنیتی ناشی از حضور بیگانگان مواجه سازد.

پس از جنگ عراق و افغانستان شمار پایگاه‌های نظامی آمریکا در این منطقه بیش از پیش افزایش یافت. گستردگی این دو رویارویی و دیگر ملاحظات سیاسی سبب شد که جنگی طولانی در دو طرف ایران شکل بگیرد. آمریکا در تلاش است تمرکز نظامی خود را در منطقه افزایش دهد، و بیشتر نیروهای نظامی خود را از عربستان خارج و در دیگر کشورهای عرب منطقه مستقر کند، جایی که حکومت‌های هم‌پیمان آمریکا، امکانات امنیتی تازه‌ای را در اختیار او قرار می‌دهند.

در نتیجه، به نظر می‌رسد حضور گسترده ایالات متحده در خلیج فارس به شکل اساسی علاوه بر تغییر بر پویایی‌های ژئوپلیتیکی خلیج فارس، بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیر گذار خواهد بود. در این راستا، سؤال اساسی ما در این پژوهش آن

است که تحولات ژئوپلیتیکی کشورهای جنوبی خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی چه تاثیری بر امنیت ملی ایران داشته است؟
فرضیه این پژوهش هم بر این اساس استوار است که با توجه به نقش تقابلی ایران با هژمون جهانی آمریکا و متحد منطقه ای آن اسرائیل، روابط امنیتی اسرائیل و آمریکا با کشورهای عرب خلیج فارس با محوریت عربستان، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می کند.

رہیافت ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک را می توان «مطالعه رقابت قدرت ها برای سلطه بر منطقه یا جهان، با استفاده از امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می گذارد» تعریف نمود. در این بازتاب است که ژئوپلیتیک از رابطه دیالکتیک میان سه عنصر اصلی به وجود می آید که عبارتند از: «رقابت» که مولد سیاست است، «قدرت» که پدیده های سیاسی است و «جغرافیا» که فضای لازم را برای محیطی ساختن رقابت سیاسی در اختیار می گذارد.
در تعاریف کلاسیک می توان گفت: ژئوپلیتیک توجه به مطالعه رقابت قدرت ها دارد برای کسب برتری های سیاسی، استراتژیک، فرهنگی و تمدنی نسبت به رقیبان در منطقه یا جهان. به تعبیری دیگر، ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه رقابت قدرت ها برای برتری یافتن یا ایجاد سلطه^۱ بر منطقه یا جهان با استفاده از امکاناتی که جغرافیا (زمین) در اختیار می گذارد تعریف نمود. کلمه ژئوپلیتیک ترکیبی است از دو پیکر لاتین ژئو-geo به معنی کره زمین و پلیتیک politics به معنی سیاست، و این دو در ترکیب ژئوپلیتیک geopolitics به معنی مطالعه سیاست های مربوط به کره زمین یا جهان است. در این بازتاب می توان گفت: ژئوپلیتیک به معنی توجه داشتن به مطالعه رقابت قدرت های درگیر در سیاست های برتری خواهانه بر همه کره زمین یا مناطقی از آن است، مانند رقابت میان آمریکا و شوروی پیشین در جهان ژئوپلیتیکی و دو قطبی گذشته که از نظر تاریخی شامل بخش عمده ای از قرن بیستم (از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰) می شد. بدیهی است که در این ابعاد جهان شمول بودن مباحث ژئوپلیتیکی ما با رقابت های سیاسی



1 Hegemony

ماورا سر و کار داریم، نه با سیاست و یا رقابت‌های سیاسی درون کشوری که مربوط می‌شود به مطالعات علوم سیاسی از یک طرف و جغرافیای سیاسی از طرف دیگر (Mojtahedzade, 2020: 132-133).

موقعیت خلیج فارس و شبه جزیره عربستان

قلمرو جغرافیایی خلیج فارس از پیشرفتگی دریا در خشکی در حد واسط سرزمین ایران و شبه جزیره عربستان که از مصب اروندرود تا شبه جزیره مسندم در عمان امتداد و از طریق دریای عمان به اقیانوس هند متصل است (Elahi, 2009: 4). محدوده جغرافیایی این دریا شامل ایران و شش کشور عربی بوده و بر اساس خصلت‌های فرهنگی مشترک و متمایز یک واحد و منطقه ژئوپلیتیک بارز و حیاتی را شکل داده‌اند (Zeinolabedin, 2012: 96). خلیج فارس از جمله مناطقی است که سالیان دراز صحنه رقابت ژئوپلیتیکی گسترده‌ای میان کشورهای ساحلی و همچنین قدرتهای بزرگ جهانی بوده است. خلیج فارس در نظریه‌های ژئوپلیتیکی گذشته، جزو سرزمین‌های حاشیه‌ای به شمار می‌رفت. اما در نظریه‌های جدید ژئوپلیتیکی به سرزمین هارتلند یا محور که به گفته لوهازن به مرکز مرکزها تبدیل شده است. از سوی دیگر، با اهمیت یافتن اقتصاد، در نظام جدید جهانی، مناطقی در جهان اهمیت دارند که از نظر انرژی غنی باشد. در نتیجه، خلیج فارس در تئوری‌های ژئواکونومیک نیز، موقعیت ویژه‌ای بدست آورده است، به صورتی که در حال حاضر، هیچ منطقه‌ای در جهان را یارای رقابت با آن نیست. خلیج فارس در حقیقت به عنوان یک واحد ژئوپلیتیکی، مانند موجود زنده‌ای است که به صورت فعال و پویا با محیط بیرون از خود ارتباط وسیع دارد و وارداتش را سرمایه، مواد غذایی، کالاهای صنعتی و سایر مایحتاج ساکنانش و صادرات آن را نفت و گاز تشکیل می‌دهد. در سرتاسر این کره خاکی، تنها دریای سیاه و بالتیک دارای شرایط مشابه خلیج فارس دارند. با این تفاوت که این دو از طریق کانال‌های آبی با محیط بیرون ارتباط دارند. (Ezzati, 2007: 25)

شبه جزیره عربستان در منتهی‌الیه جنوب غربی قاره کهن آسیا با حدود سه میلیون و دو بیست کیلو متر مربع وسعت بزرگترین شبه جزیره جهان و محل تلاقی سه قاره آسیا و اروپا و آفریقا قرار دارد. این شبه جزیره شامل شش کشور عربستان سعودی، کویت،

قطر، امارات، بحرین، عمان و یمن است که چهار پنجم این شبه جزیره را عربستان در اختیار داشته و اقتصاد کل این منطقه بر پایه انرژی استوار می باشد. (Ayinevand, 2002: 28)

شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس

این شورا در تاریخ ۲۶ اسفند سال ۱۳۵۹ تشکیل گردید. از مهمترین اهداف و دلایل شکل گیری آن پدیده انقلاب اسلامی در ایران با هدف اتحاد میان کشورهای عربی و همسایه از یک سو و تقویت بنیه دفاعی، نظامی و سیاسی در مقابل بیگانگان از جمله ایران از سویی دیگر بوده است. اگر چه دلایل زیادی در شکل گیری این شورا موثر بوده اما عواملی نظیر هماهنگی با استراتژی منطقه ای آمریکا در مسلح نمودن عربستان پس از سقوط رژیم شاه که هم پیمان آمریکا بود و همچنین مهار ایران و مقابله همزمان با تهدیدات شوروی سابق توسط آمریکا بوده است (Dehghani Firouzabadi, 2009: 461)

اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس و تنگه هرمز

خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۴۰,۰۰۰ کیلومتر مربع، از شمال به کرانه های ایران و از شرق به خلیج عمان و از جنوب و غرب شبه جزیره ی عربستان محدود است. وجود منابع عظیم انرژی و قرار گرفتن در مسیر انتقال انرژی، خلیج فارس را به یک منطقه ژئوپلیتیکی مهم تبدیل کرده و آن را محل اتکای استراتژی غرب قرار داده است. ذخایر اثبات شده نفت و گاز این منطقه بنا بر گزارش «بی پی»^۱ در سال ۲۰۱۱ به ترتیب ۴۹۲ هزار میلیون بشکه و ۸۰ میلیارد متر مکعب می رسد. منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، در برگیرنده ی هشت کشور ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت، امارات متحده ی عربی، قطر، عمان و بحرین است که هر یک از آنها با در پیش گرفتن سیاستهای مختلف در صدد کسب قدرت بیشتر، ارتقای وزن ژئوپلیتیکی خود و اثرگذاری بیشتر در این منطقه باشند. که امروز ما شاهد تعارض و گاه تضاد منافع هر یک از نظامهای سیاسی باشیم. با این وجود، برخی مسائل عینی، همچون تأمین امنیت کشورهای عربی، کاهش قلمرو

^۱ British Petroleum

نفوذ ایران یا هنجارهای ارائه شده از سوی سازمان ملل، باعث شده تا نظام‌های سیاسی مستقر در این منطقه ژئوپلیتیکی برای رسیدن به اهداف خود، تصمیمات مشترک و عملکرد متوازن با یکدیگر داشته باشند. با توجه به وابستگی متقابلی که میان کشورها در عصر جهانی شدن وجود دارد؛ حفظ امنیت این منطقه، به عنوان یک منطقه استراتژیک جهانی؛ امری ضروری است و تأمین امنیت آن نه تنها برعهده‌ی نظام‌های سیاسی منطقه، بلکه نظام بین‌الملل نیز به واسطه بهره‌مندی از منابع عظیم انرژی و همچنین ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی که این منطقه از آن بهره می‌برد حائز اهمیت است: (Heydari, 2011: 210) خلیج فارس به علت کشف و صدور نفت، وجود ذخایر گسترده انرژی و همچنین تحولات در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه، در کانون توجه است. کشورهای خلیج فارس، ۶۲ درصد از مجموع نفت مصرفی بازارهای جهان را تولید می‌کنند. (Sadeghi, 2008: 250)

بعلاوه عمق کم این پهنه دریایی، امکان بهره‌برداری از منابع نفت هم‌چنین منابع دریایی آن را به سهولت و ارزانی فراهم می‌آورد و هزینه‌های پایین استخراج نفت و گاز، توجه کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده است. اکتشاف نفت باعث پیوند آن با اقتصاد جهانی شده؛ بویژه آن که استخراج نفت از این منطقه بسیار به صرفه‌تر از دیگر مناطق جهان برآورد شده است. علاوه بر اینها مشکلاتی، نظیر عدم یکپارچگی و نیز ضعف‌های ساختاری کشورهای منطقه و نیز وابستگی آنها به کشورهای قدرتمند، ضعیف بودن کشورها در تأثیرگذاری بر سیاست‌های بین‌المللی در قبال کشورهای دیگر، فعال نبودن مشارکت دولت‌ها در تأمین امنیت منطقه، وجود اختلافات مذهبی شدید، بی‌اعتمادی کشورهای منطقه نسبت به سیاست‌های دولت‌های دیگر، دخالت عامل بیگانه در طول سالیان متمادی منجر شده است که کشورهای منطقه هیچگاه نتوانند با موفقیت و اعتماد به نفس در صدد پیشبرد وضعیت امنیتی و نیز پیگیری منافع و اهداف خود، با اتکا به نیرو و توان ملی بدون دخالت بیگانگان به مقصد خود نایل شوند. وجود فضای بی‌اعتمادی میان کشورها و عدم تمایل به پیمان‌های منطقه‌ای، زمینه همکاری دو یا چند جانبه میان دولت‌ها و واحدهای اقتصادی منطقه را از میان برده است. به همین دلیل حرکت به سوی یکپارچگی‌های اقتصادی و سیاسی در جهت نیل به اهداف توسعه

ای و بررسی اثرات این یکپارچگی ها، بسیار مورد توجه کشورهای منطقه می باشد (Tayebi, 2013: 111). به این ترتیب، تردیدی باقی نمی ماند که خلیج فارس می تواند در دیدگاه ژئوپلیتیک قدرت های منطقه ای مانند ایران و عربستان سعودی یک منطقه مستقل و قائم به ذات خود تعریف گردد که برخلاف منطقه فرضی "خاورمیانه" که از بسیاری از پدیده های تشکیل دهنده یک "منطقه" جغرافیائی یا ژئوپلیتیک بی بهره است، از همه پدیده های تشکیل دهنده مفهوم یک منطقه مستقل و قائم به ذات خود بهره دارد: همه ملل اطراف این دریا با هم در محیط جغرافیائی ویژه خلیج فارس هم ساحل هستند: همه ملل اطراف این دریا مسلمان هستند و همه شعبات دین اسلام در میان ملل این منطقه نمایندگانی دارند: همه ملل اطراف خلیج فارس در دو فرهنگ فارسی و عربی مشترک هستند و همه کشورهای منطقه از اقتصاد متکی بر تولید و صدور انرژی فسیلی برخوردار هستند و همین اشتراک در زیر بنای زندگی اقتصادی همه این ملل را در سرنوشت امنیتی منطقه با هم شریک می سازد (Mojtahedzade, 2020: ۳۳۴)

ترتیبات امنیت جمعی در خلیج فارس

وجود پتانسیل همکاری استراتژیک با مشترکات فراوان فرهنگی، تاریخی و منافع مشترک اقتصادی و سیاسی، ایجاب می کند تا کشورهای منطقه به دنبال یک چارچوب مورد توافق برای همگرایی منطقه ای باشند. از آنجایی که ایران در منطقه خلیج فارس از موقعیتی ژئواستراتژیک نسبت به موقعیت ژئوپلیتیک سایر کشورهای این حوزه برخوردار است، هرگونه طراحی تدابیر امنیتی در این منطقه بدون توجه به عرصه گسترده بازیگری ایران، عملاً فاقد اثربخشی مناسب برای منطقه و نظام بین الملل خواهد بود؛ لذا موقعیت ممتاز ژئواستراتژیک ایران زمینه ای اساسی برای پویایی و حضور مؤثرش در تعاملات منطقه و جهان را فراهم نموده است؛ مشروط بر آنکه ایران از فضای آرمانی خارج شده و صرفاً بر اساس منافع و اقتدار ملی خویش به منظور تعامل حداکثری با همسایگان، حسن نیت از خود نشان داده و ترس و وحشت همسایگان را با رفتار دوستانه اش بر طرف سازد؛ زیرا تخاصم و مقابله با همسایگان، علاوه بر آنکه،

بازیگران و سیاست های برآمده از عوامل ژئوپولیتیک

به طور کلی عوامل ژئوپولیتیک منطقه خلیج فارس را باید عواملی تنش زا دانست که می تواند بحران آفرینی کند. شاید عوامل ژئوپولیتیک به تنهایی عامل ایجاد ناامنی و تنش ها نباشد، اما وقتی با عوامل یا شرایط دیگر همراه شود، می تواند تنش زا گردد. از آنجا که عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیک به صورت تدریجی و در یک برهه زمانی طولانی شکل گرفته اند از این رو تأثیر نسبتاً پایداری از خود برجای می گذارند. در واقع، اگر عوامل ایجاد ناامنی و تنش در منطقه خلیج فارس را به عوامل پایدار و ناپایدار تقسیم کنیم، عوامل جغرافیایی جزء منابع پایدار ناامنی و تنش هستند که به راحتی قابل حل نبوده در هر حال مجموع این عوامل نشان می دهد که در منطقه خلیج فارس، عوامل ژئوپولیتیک نقش به سزایی در ایجاد تنش داشته و توجه به آنها بسیار مهم می باشد. از سوی دیگر، شرایط ژئوپولیتیک این منطقه و کشورهای آن به نحوی است که مشکلات داخلی و بی ثباتی در هر یک از کشورهای، قابلیت تسری داشته و ممکن است فراتر از مرزهای آنها اثرگذار گردد.

اما نکته مهم تر از تنش زا بودن عوامل ژئوپولیتیک منطقه خلیج فارس، ضعف حاصل از آنها برای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و جذابیت آن برای دولت ها و قدرت های فرامنطقه ای است. ضعف های ژئوپولیتیک منطقه خلیج فارس، آنها را با هراسی دائمی از تهدیدهای داخلی و خارجی علیه امنیت خود مواجه ساخته است. در نتیجه دولت های این منطقه نگران امنیت خود هستند و این در رفتار سیاست خارجی آنها کاملاً مشخص و مشهود است و راه توسعه همکاری با قدرت های فرامنطقه ای را برای حل موضوع امنیت خود در پیش گرفته اند. عربستان سعودی قطر، بحرین، امارات متحده عربی و کویت به غرب و آمریکا تکیه کرده اند. هرچند همین عوامل ژئوپولیتیک برای کشورهای منطقه نشانه ضعف است، اما برای قدرتهای فرامنطقه ای که از آن بهره برداری می نمایند یک مزیت بزرگ به حساب می آید. عربستان سعودی یک سیاست متوازن و منافع محور را پیگیری می کند که نیازهای بازیگران قدرتمند فرامنطقه ای را برآورده می سازد. عربستان سعودی بازی چند وجهی را انجام داده است؛ چرا که تنها به مدد یک سیاست خارجی متوازن قادر است

امنیت ملی خود را تضمین کند. عربستان به تحرکات نظامی ایران حساس بوده، ولی در عین حال خود در جهت نظامی کردن منطقه گام برمی‌دارد و معتقدند با بستن قراردادهای نظامی با کشورهای غربی می‌تواند استقلال خود را تضمین کند. قدرت‌های غربی نیز از این فرصت استفاده کرده و با اعطای کمک‌ها و تجهیزات نظامی می‌کوشند رقابت تسلیحاتی و صف‌بندی نظامی در منطقه ایجاد نموده و حضور خود را در منطقه توجیه نمایند. این روالی است که در سالیان اخیر به طور دائم دیده می‌شود. افزایش درآمدهای نفتی عربستان سعودی به ویژه از سال ۲۰۰۴ به بعد، باعث افزایش چشمگیر بودجه نظامی این کشور و رشد قابل توجه که این امر، سبب تحریک بقیه اعضا را در پی داشته است زیرا عربستان سعودی در واقع الگوی دیگر کشورهای غربی محسوب می‌شود با روند موجود جهان به نوعی شاهد رقابت میان کشورهای غربی و ایران می‌باشد. و این موضوع معمایی امنیتی در منطقه به وجود آورده و هر روز هم پیچیده‌تر می‌شود.

از بررسی مجموعه دیدگاه‌های کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در مورد امنیت نظامی به نظر می‌رسد آنها در کنار اتکا به قدرت‌های دیگر، سعی می‌کنند به هر طریق بر قدرت نظامی خود بیفزایند. در واقع اصل غیر نظامی کردن منطقه حساس خلیج فارس برای اغلب کشورهای منطقه در عمل معنایی ندارد. روندی که کشورهای خلیج فارس از لحاظ نظامی طی دو دهه اخیر شاهد آن بوده است، ایجاد بلوک‌بندی‌های نظامی چه از طریق عقد قراردادهای نظامی دو جانبه و سه جانبه میان کشورها و چه از طریق تأسیس پیمان‌های نظامی مانند پایگاه‌های آمریکا در قطر و بحرین و عربستان و ارتباط پیدا و پنهان با اسرائیل برای تأمین امنیت خویش مبادرت نموده‌اند. نکته مهم و اساسی این است که با افزایش نقش آفرینی آمریکا و اسرائیل در منطقه، علاوه بر نظام اتحاد نامطمئن، قدرت سیاسی و اقتصادی ایران برای آینده به طرز چشمگیری به چالش کشیده خواهد شد. تغییر نگاه ژئوپلیتیک در این منطقه می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده و از سوی دیگر، این منطقه را به عرصه حضور قدرت‌ها و رقابت‌های شدید منطقه‌ای و جهانی جهت بهره‌برداری از عوامل ژئوپلیتیک آن تبدیل کند. این ضعف‌ها، در کنار توجه قدرت‌ها به

این منطقه به دلیل منافع ژئوپلیتیک آن، باعث شده که شاهد مسائلی مانند نظامی کردن منطقه، ایجاد پیمان‌ها و بلوک‌بندی‌های نظامی و بالتبع حضور و دخالت بازیگران بیگانه در خلیج فارس باشیم. جدا از مسائلی که میان ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس وجود دارد، به واقع منطقه خلیج فارس را باید عرصه رقابتی که بازیگران اصلی آن قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا و چین و اخیراً اسرائیل دانست. چنین می‌توان تحلیل نمود که در منطقه خلیج فارس، بازی بزرگ، امری طبیعی و برخاسته از عوامل ژئوپلیتیک را صرفاً بازتاب می‌دهد. قدرت‌های هژمونیک همیشه برای کسب نفوذ در این منطقه با هم در حال رقابت بوده‌اند. در دوره معاصر، این رقابت به خصوص در میان دو بازیگر جهانی مهم اتفاق افتاده است؛ که البته در قیاس با ایالات متحده، چین بازیگر ژئوپلیتیک جدیدی در منطقه است.

اسرائیل با درک درستی که از وجود اختلافات دامنه دار ایران و اعراب دارد. برحضور مستقیم و هوشمندانه خود در کشورهای عربی خلیج فارس سرعت بخشیده و تعاملات استراتژیک نظامی با کشورهای این منطقه و به ویژه امارات متحده عربی و بحرین را با چراغ سبز عربستان سعودی آغاز نموده است. این‌ها علاوه بر تقویت روابط این دو کشور با آمریکا می‌باشد که قبلاً محقق شده بود. واقعیت آن است که منطقه خلیج فارس عرصه رقابتی است که بازیگران آن اعم از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تضاد ماهوی از نظر منافع با جمهوری اسلامی ایران هستند. و در این تضاد و رقابت، تضعیف، مهار و حذف ایران را خواستار بوده و می‌خواهند معادلات را بدون حضور ایران مدیریت نمایند. بر همین اساس در منطقه خلیج فارس، اهداف و منافع متضاد قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر چگونگی و اندازه و استمرار و گسترش مناقشه و تنش بین ایران کشورهای این منطقه، به ویژه عربستان سعودی اثرگذار است. با وارد شدن تحولات ساختاری در عرصه سیاست خارجی و پیچیده‌تر شدن روابط میان دو قدرت مدعی در جهان اسلام، تنازع برای بقا پیچیده‌تر، خشن، جدی و علنی‌تر هم گردیده و می‌رود تا به رویارویی مستقیم پس از زورآزمایی نیابتی مبدل گردد.

عربستان در صدد تشکیل ناتوی عربی و یارگیری از خارج منطقه و کشاندن پای قدرت های فرامنطقه ای برای مهار و محدود کردن قدرت رو به تزاید ایران برآمده و با تشکیل داعش و گروه های تکفیری، جنگ نیابتی را برای مهار و قدرت یابی ایران علناً آغاز کرده، تا بتواند با درگیرکردن ایران، توان عملیاتی و نفوذش را در منطقه، خصوصاً در میان کشورهای عربی و هم پیمانان سنتی و سلفی خویش تحلیل برده تا مانع برتری هژمونی ایران شود. ایران به عنوان شاخص و محور مقاومت و تفکر پیش رو و عربستان به عنوان محور و در واقع الگوی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، با سابقه ای دیرینه و تفکری غالب در میان قاطبه مسلمانان به عنوان رهبر معنوی جهان اسلام و خادم الحرمین، مصداق عینی اعمال مدیریت سنتی را در مقابل ایران به رخ کشیده است.

نتیجه گیری

ایران و عربستان با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود مهمترین بازیگران منطقه ای در خلیج فارس و خاورمیانه هستند که به نوعی رقیب منطقه ای هم نیز به حساب می آیند. این دو کشور با بهره مندی از موقعیت اقتصادی و ظرفیت های انرژی، در منطقه از اهمیت فراوانی برخوردارند. به باور بیشتر پژوهشگران، نقش ایران و عربستان در منطقه و تأثیری که بر روی سایر بازیگران قرا منطقه ای دارند بسیار مهم است. روابط این دو کشور از بدو پیروزی انقلاب اسلامی همواره روندی سینوسی و متغیر و تهاجمی داشته و با توجه به تحولات سال های اخیر در منطقه شاهد رقابت جدی ایران و عربستان هستیم. اکنون با توجه به فراز و فرودهای توافق هسته ای میان ایران و کشورهای غربی و آمریکا و روسیه و چین از یک سو و نقش تأثیرگذار ایران در بحران های منطقه ای مانند سوریه، عراق و یمن و حتی لبنان از سوی دیگر، زمینه افزایش قدرت منطقه ای ایران شده است. که این موضوع باعث تشدید رقابت منطقه ای میان ایران و عربستان سعودی شده و خروج معنی دار آمریکا از برجام، و بازگشت مجدد آن کشور به برجام تنش میان ایران و عربستان را به دنبال و رقابت ها جدی تری را نیز شاهد خواهیم بود.

منطقه خلیج فارس مانند هر منطقه دیگری نیازمند ثبات و امنیت است. و امنیت آن را باید صرفاً در خود منطقه جستجو نمود و همگرایی به عنوان راه حلی برای همکاری و نزدیکی کشورها و ثبات بیشتر آنها باید مورد توجه قرار داد. در این زمینه، ایران می‌تواند نقش کلیدی و حیاتی ایفا نماید. چالش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای انگیزه و محرک اصلی دستیابی به نقطه شروعی براساس شناخت منافع ملی همه کشورها در منطقه است. از سوی دیگر، امنیت منطقه حول ایجاد «امنیت جمعی» دور می‌زنند. این امر مستلزم یک نظام امنیتی مشترک است. که در آن راهبردهای امنیتی تمام کشورها یکپارچه گردیده، تا همدیگر را تکمیل نمایند. ایجاد این نظام نیازمند توافق بر سر گروهی از اقدامات مشترک است. بهترین راه دستیابی به چنین هدفی اقدامات اعتماد سازانه برای همکاری مشترک می‌باشد.

به منظور تبدیل خلیج فارس به یک منطقه دارای صلح و امنیت، ضروری است که حسن نیت جایگزین سوء نیت فعلی شود. بدون تردید، ایران یکی از کشورهای قدرتمند و بانفوذ منطقه به شمار می‌رود. سیاست اساسی ایران در موضوع امنیت خلیج فارس بر نفی حضور قدرت‌های خارجی در این منطقه استوار است. بهترین راه کاری که ایران در راه نیل به اهداف خود می‌تواند اتخاذ کند، این است که با سیاست تنش زدایی و همکاری با کشورهای منطقه و حل مسالمت آمیز اختلافات با دیگر کشورهای عربی (با محوریت عربستان) به دنبال دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود باشد. این مناسب‌ترین و مطمئن‌ترین راهی است که ایران باید در قبال کشورهای منطقه برای تأمین امنیت خلیج فارس در پیش گیرد. در این صورت است که ایران از طریق روابط حسنه توأم با اعتماد متقابل با هر یک از کشورهای کرانه خلیج فارس، می‌تواند نفوذ و تأثیرگذاری نیروهای خارجی را کاهش دهد و در تأمین امنیت این منطقه، جایگاه واقعی خود را به دست آورد. بنابراین، امنیت منطقه‌ای برپایه همکاری متقابل، در این برهه، راهبردی ضروری به شمار می‌آید. البته ایجاد این نوع امنیت نیز مستلزم اعتماد سازی میان بازیگران مختلف در این منطقه و روش‌هایی همچون علاقه مند بودن تمام شرکت‌کنندگان به این نظام، توانایی بالقوه اعضا در ایجاد اعتماد و امنیت، نداشتن سوءظن به اعتبار تعهدات خود از دیدگاه امنیتی و عدم استفاده از نیروی نظامی در حل و فصل

منازعات است. بدون تردید، سیستم امنیت جمعی خلیج فارس، سامانه مطلوب ژئواستراتژیک مبتنی بر عوامل همگرایی و همکاری های منطقه ای و اعتمادساز، علاوه بر این که می تواند عوامل واگرایی را کاهش دهد، می تواند منافع تمام کشورها از جمله ایران را نیز تأمین کند و این امر طبیعتاً ترتیبات نظم و شرایط امنیت منطقه ای در خلیج فارس و خاورمیانه را دگرگون خواهد کرد و به نفع همه ملت ها و کشورها خواهد بود. ایران و عربستان به عنوان دو قطب جهان اسلام که یکی به عنوان کانون ژئوپولیتیک شیعه و دیگری به عنوان مرکز تفکر اهل تسنن می باشد، می توانند با توجه به نفوذی که در بین کشورهای دیگر منطقه دارند در کاهش تنش ها مؤثر واقع شوند. در این میان توجه به نقش مهم علمای جهان اسلام خصوصاً علمای دو کشور ایران و عربستان در ایجاد وحدت و فراخواندن ملت ها و دولت های منطقه به آرامش و همکاری بسیار اهمیت دارد، تا در نهایت همه با استفاده از تمامی ظرفیت های انسانی و مادی و با عزم جدی، گام در راه همگرایی و صلح پایدار گذارند.

ایران در صورتی می تواند به تحصیل منافع مشترک در منطقه امیدوار باشد که با اعتماد سازی و رفتار صادقانه، کشورهای منطقه را در تأمین امنیت خود بدون دخالت بیگانگان، متقاعد سازد. دوره بی طرفی و یک جانبه گرایی به پایان رسیده است و تنها راه برون رفت از بن بست ژئوپلیتیکی موجود در منطقه خلیج فارس برخورد فعال و تعامل حداکثری کشورهای منطقه، با حضور موثر خود به دنبال تحصیل منافع جمعی باشند؛ زیرا با عدم حضور در فرایند تصمیم سازی خردمندان، زمینه برای افزایش سوء تفاهم ها و در نتیجه رقابتی بی حاصل و ایجاد بی نظمی در منطقه فراهم خواهد شد. ایران باید با حسن نیت و رفتار صادقانه خود، کشورهای منطقه را به این باور برساند که امنیت خلیج فارس بدون حضور قدرت های خارجی هم تأمین می شود. ولی کشورهای منطقه با اعتماد سازی و سیاست خارجی شفاف و رفع سوء تفاهم های موجود، می توانند حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس را بی دلیل جلوه دهند یا تا حدودی کم رنگ سازند. ایران همانند هر قدرت مستقل و بازیگر منطقه ای دیگر، دارای حوزه های مشروع امنیتی و میدان های فرصت سازی سیاست خارجی است. مهمترین رفتار سیاست خارجی ما باید تلاش در جهت خروج از انزوای ژئوپلیتیک و بازتعریف نقش

طبیعی در معادلات امنیت منطقه باشد، که به دلایل مختلف تا کنون از آن کنار گذاشته شده است. تنها راه ایجاد امنیت در منطقه خلیج فارس، مبتنی بر همکاری های عملی متقابل، میان کشورهای ذینفع در تأمین منافع ملت ها و امنیت خلیج فارس در زمینه اقتصادی و مسائل دیگر است که می توان نام مدل همکاری های متقابل گسترده و وابسته را بر آن نهاد. ایران برای تأمین و حفظ امنیت در خلیج فارس نیاز به یک مدل همکاری در چارچوب یک اقتصاد به هم پیوسته متشکل از همه کشورهای ذینفع دارد؛ زیرا نیاز و ارتباط مستمر موجب ایجاد وابستگی و همبستگی می شود، که هر چه میزان این وابستگی بیشتر گردد، تطبیق و همگرایی کشورها و ملت ها نیز بیشتر می شود. اگر یک همکاری موفق شکل یگیرد موجب سرایت به زمینه های دیگر همکاری خواهد شد. تلطیف فرهنگی جهت تحکیم مناسبات کشورها و ملت های مسلمان و همسایه، به منظور حذف رقابت های زائد و غیر ضرور و ضد فرهنگی، به بهانه های واهی تفاوت عرب و عجم و یا نزاع های بیهوده مذهبی و قومی و فرقه ای. در حالی که ملت های دوسوی منطقه خلیج فارس مسلمان، و دارای وجوه اشتراکات فرهنگی و تاریخی و اعتقادی و بنیادین فراوانی هستند. تدوین یک نقشه راه برای برون رفت از چالش های پیش رو نیازمند اراده قاطع تهران و ریاض دارد. نقشه راهی که در برگیرنده ۳ اصل و پایه محکم باشد. اول، ایران و عربستان احساس سلطه بر منطقه را فراموش کنند. دوم . ایران و عربستان دو کشور دارای منافع مشترک و سزاوار ایفای نقش سازنده اند. سوم . توافق بر اصول کلی همکاری جمعی باید مبنای هر تصمیمی برای امنیت کشورهای خلیج فارس باشد. اصولی چون احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی ، عدم مداخله در امور داخلی هم ، عاری سازی منطقه از سلاح های هسته ای و کشنار جمعی ، پایبندی و اعتماد و باور به رفع موانع همکاری و همه موضوعاتی که چشم انداز و افق پیش رو را به درستی روشن می نماید. از جمله شروع گفتگوی مستقیم و احیای توافقات گذشته، برقراری روابط دیپلماتیک و بازگشایی سفارتخانه های دو کشور و در پی آن، مشارکت ۵ کشور دیگر حاشیه جنوبی خلیج فارس و حتی عراق ، به محور گفتگو و همکاری ایران و عربستان ، از رموز موفقیت در رفع چالش های دیرینه برای عبور از بحران های پیچیده منطقه می تواند می باشد. برای اثبات حسن نیت دوطرف می

توانند با برقراری آشتی دو ملت مسلمان که دارای مشترکات فرهنگی بسیاری نیز می‌باشند و همچنین تبادل استاد و دانشجو و مراودات فرهنگی و رسانه ای از جمله همکاری های عمومی و غیر سیاسی درخصوص موضوع سلامت و کرونا پیشنهاد می‌شود. در صورت عدم تحقق فرایندهای مدنظر، وخامت و تنش و تشدید تعارضات میان ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس هر روز بیشتر خواهد شد و دشمنان مشترک درحالا همکاری منطقه ای، در ساخت و تامین امنیت جمعی در خلیج فارس که رابطه مستقیم با امنیت ملی همه کشورهای ساحلی دارد مصمم تر خواهند شد. بی هیچ تردیدی، اسرائیل به عنوان دشمن شماره یک مسلمانان در حال اجرای سناریوهای سیاسی و امنیتی و نظامی خود با کشورهای مسلمان منطقه جدی و به سرعت اقدام نموده است. ادامه این روند می‌تواند زنگ خطری بزرگ برای منافع و مصالح ملی و نظام سیاسی همه کشورهای منطقه در دراز مدت باشد. لازم است بدون فوت وقت اقدامات امنیت ساز منطقه ای را در دستور کار خود قرار داده تا از وارد شدن خسارت بیشتر جلوگیری شود.

منابع

- Agharebparast, Mohammadreza. (2011). A Critical Review of the Book "Theories of International Relations". *Shahrreza Islamic Azad University Political and International Studies Quarterly*. 9 (32). 201-212 [In Persian]
- Ayinevand, Sadegh. (2002). *The History of Islam*. Iran. Ghom: Islamic Theology Publications. (In Persian)
- Dehghani Firouzabadi, Sajjad. (2009). *The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Iran. Tehran: Ghoomes Publications. [In Persian]
- Eftekhari, Asghar. (2009). *The Foundational Stages of Thought in National Security Studies*. Iran, Tehran: Center for Strategic Studies. [In Persian]

- Elahi, Homayoun. (2009). *The Persian Gulf and Related Issues*. Iran. Tehran: Ghoomes Publicatins. [In Persian]
- Ezzati, Ezzatollah and Nabiolla Reshno. (2007). IRI's Foreign Policy's Geopolitical Approach in the Realm of Persian Gulf Territory (*Sarzamin*) Quarterly. 4 (1st). P194 .[In Persian]
- Farajirad, Abdolreza, Shahriar Nosrati and Shahnaz Bazdar. (2013). Investigating the Functions of Passive Defense in the Realm of Iran's National Security. The 6th Conference of Iranian Geopolitical Society (Passive Defense). October 2013. Firdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Haftendorn, Helga. (1991) The Security Puzzle: Theory-Building and Discipline-Building in International Security. In *Critical Assessment in International Security*. Translated by Alireza Rayeb. Published by Ney Publications.
- Heydari, Gholamhosein. (2011). The Geopolitical Status of Caucasus in the Politics of Regional and International Powers. Political and International Studies Quarterly. 3(7). 207-245. [In Persian]
- Mojtahedzade, Pirouz. (2020). Political Geography and Iran's Geopolitics. Iran. Tehran: Farhikhtegane Danesh Publications. [In Persian]
- Pishgahifard, Zahra. (2007). *Political Geography Dictionary*. Iran. Tehran: Entekhab Publications. [In Persian]
- Sadeghi, Ahmad. (2008). The Geneology of the Foreign policy of IRI; The Status of Identity, Culture and History. *Foreign Policy Quarterly*. 22 (2). 245-300 [In Persian]
- Tayebi, Sobhan. (2013). International Responsibility for Preserving the Environment of the Persian Gulf. *The first National Conference on the Geopolitics of the South-western Asia*. Payamnoor U. Taleghan. [In Persian]
- Zeinolabedin, Yousef, *et al.* (2012). Analyzing the new Opportunities for Shiites in the Middle East. *Shiite Studies Quarterly*. 44. 91-100 [In Persian]
- Zolfaghari, Mahdi. (2006). The Geopolitics of the Persian Gulf (The Opportunities and Threats Facing IRI). *Political Findings (Rahaavard)*. 15. ۴۴-56 [In Persian]HHH
- www.sipri.com (Stockholm international peace research institute)

<https://en.irna.ir/news/83359215/US-military-bases-better-be-shut-down-US-ex-cmdr>
<https://www.worldmap1.com/map/asia/asia-map.jpg>
<https://cdn2.ettoday.net/images/116/d116137.jpg>

۲۴۶



پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره یازدهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی چهل و دوم

پاییز ۱۴۰۰